

سه‌شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۲ • سال دهم • شماره ۱۷۵۴ • ۷

روزنامه شرق

جهان

درختی می‌افکند ملتی برمی‌خیزد

صفحه ۸

تحقق سوژه سیاسی در اردوگاه مردم

صفحه ۹

از «انقلاب» در ترکیه خبری نیست

صفحه ۱۰

دریچه	
	
بازی «زمان» در دموکراسی	
نگاهی به اظهارات شرکت‌کنندگان در تظاهرات «استانبول» و «زمیر» گویای نوعی ناراضایتی و سرآمدن صبرمردم عادی کوچه و خیابان است. اما این عدم تحمل و ناشکیبایی تنها درمقابل ساخت یک مرکز خرید تجاری نیست. رخدادهای هفته گذشته در کنار اینکه می‌تواند تلاش مردم برای پس گرفتن «حق به شهر» و «حق حفظ خاطره جمعی» نسبت بهفضای زیسته جمعی‌شان تفسیر شود، دارای زمینه پنهان دیگری نیز هست. اما آنچه در این تظاهرات، جالب توجه است بروز شکل خاصی از ناشکیبایی است که با پیش‌زمینه‌های اعتراضات، محیط‌زبستی شروع می‌شود و تدریجا با واردشدن عناصر ناراضایتی و انباشت ناخرسندی‌های پیشین نسبت به دیگر سیاست‌ها، رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد و تا حدودی به درخواست کناره‌گیری کاربزماتیک‌ترین رهبر سیاسی ترک یعنی رجب طیب اردوغان منجر می‌شود. سوال این است که مگر همین شهروندان در سه انتخابات گذشته به این حزب رای نداده‌اند؟ مگر بازی دموکراتیک با رعایت همه اصولش موجب پیروزی اکثریت بر اقلیت نشده است؟ مطمئنا جواب این سوال‌ها آری است. درنتیجه نمی‌توان، حکومت حزب عدالت و توسعه را با توجه به رعایت اصول بازی دموکراتیک و پایبندبودن اعضا و رهبران آن به فصل‌الخطاب‌بودن صندوق رای، متهم به دیکتاتوری کرد. اما درعین حال رهبری این حزب در درون خود حاوی عناصر متضاد و تناقض‌آمیزی از بازی دموکراتیک مدرن و حسرت بازگشت به گذشته امپراتوری هم هست. این تقابل در برخورد با عنصر زمان درموضع‌گیری‌های متفاوت رجب‌طیب اردوغان و معاون او هم دیده می‌شود. نحوه برخورد نخست‌وزیر و معاون او هم وجهی از درک دواگانه آنها نسبت به ضرورت توجه به مساله «زمان» است. از سویی معاون او که گویی شتاب زمان را بهتر درک کرده است، فوری از معترضان و خشونت‌های بی‌دلیل عذر می‌خواهد اما اردوغان که همچنان درگیر وجوهی از گذشته‌گرایی عثمانی است، با سرسختی بر مواضع خود پای می‌فشارد.	

نگاهی به اظهارات شرکت‌کنندگان در تظاهرات «استانبول» و «زمیر» گویای نوعی ناراضایتی و سرآمدن صبرمردم عادی کوچه و خیابان است. اما این عدم تحمل و ناشکیبایی تنها درمقابل ساخت یک مرکز خرید تجاری نیست. رخدادهای هفته گذشته در کنار اینکه می‌تواند تلاش مردم برای پس گرفتن «حق به شهر» و «حق حفظ خاطره جمعی» نسبت بهفضای زیسته جمعی‌شان تفسیر شود، دارای زمینه پنهان دیگری نیز هست. اما آنچه در این تظاهرات، جالب توجه است بروز شکل خاصی از ناشکیبایی است که با پیش‌زمینه‌های اعتراضات، محیط‌زبستی شروع می‌شود و تدریجا با واردشدن عناصر ناراضایتی و انباشت ناخرسندی‌های پیشین نسبت به دیگر سیاست‌ها، رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد و تا حدودی به درخواست کناره‌گیری کاربزماتیک‌ترین رهبر سیاسی ترک یعنی رجب طیب اردوغان منجر می‌شود. سوال این است که مگر همین شهروندان در سه انتخابات گذشته به این حزب رای نداده‌اند؟ مگر بازی دموکراتیک با رعایت همه اصولش موجب پیروزی اکثریت بر اقلیت نشده است؟ مطمئنا جواب این سوال‌ها آری است. درنتیجه نمی‌توان، حکومت حزب عدالت و توسعه را با توجه به رعایت اصول بازی دموکراتیک و پایبندبودن اعضا و رهبران آن به فصل‌الخطاب‌بودن صندوق رای، متهم به دیکتاتوری کرد. اما درعین حال رهبری این حزب در درون خود حاوی عناصر متضاد و تناقض‌آمیزی از بازی دموکراتیک مدرن و حسرت بازگشت به گذشته امپراتوری هم هست. این تقابل در برخورد با عنصر زمان درموضع‌گیری‌های متفاوت رجب‌طیب اردوغان و معاون او هم دیده می‌شود. نحوه برخورد نخست‌وزیر و معاون او هم وجهی از درک دواگانه آنها نسبت به ضرورت توجه به مساله «زمان» است. از سویی معاون او که گویی شتاب زمان را بهتر درک کرده است، فوری از معترضان و خشونت‌های بی‌دلیل عذر می‌خواهد اما اردوغان که همچنان درگیر وجوهی از گذشته‌گرایی عثمانی است، با سرسختی بر مواضع خود پای می‌فشارد.

منظور از عنصر «زمان» در این نوشتار و متعاقب آن «سیاست‌های زمانی» توجه به مساله شتاب حوادث و سرعت تحولات و توانایی تطبیق با آن در میدان سیاست‌توزیر است. زمان و تأثیر سرعت بر زندگی در قرن بیست‌ویکم است که افراد را بنوعی صندوق‌های رای چهارسال یکبار نمی‌گذارد. افراد دراین فشار زمانی و شتاب رویدادها، حوصله‌ای برای رعایت‌الگویا کلاسیک جایه‌جایی نخبگان ندارند. افراد فارغ از حقایق و احترام به انتخاب چهار سال پیش خود و به‌طور کلی بازی دموکراتیک، خواهان تغییر رفتار رهبران سیاسی خود هستند و می‌خواهند که این دگرگونی را سریع و بدون اتلاف وقت و به دور از فرایندی کشدار و کند ببینند. مفهوم «کرونوپلیتیک» یا «سیاست‌های زمانی» اشاره به محاسبه عنصر زمان در تحولات سیاسی است. فشار زمان موجب انهدام رویه‌های طولانی و زمان‌گریز برری و محاسبه‌برای دگرگونی سیاست‌هاست. اگر سیاستمداران به زمان همانند ملاحظات مکانی و فضایی در تصمیم‌گیری توجه کنند، در بهترین وضعیت همگام با انتظارات رای‌دهندگان پیش می‌آیند. آنگاه آرای انتخابات، همواره یکی از پایه‌های رخ‌کشیدین «مردمی‌بودن» نظام‌های سیاسی است. اما باید توجه کرد که زمان طول و تداوم این مشروعیات را به شدت تحت‌تأثیر خود قرار داده است و آن را مشروط کرده است. مشروعیات نتایج انتخابات چهارساله به واسطه این فشارهای زمانی، بعد از این بسیار کشنده است. اعتراض‌ها در ترکیه تقریبا به پای همه آنچه حزب عدالت و توسعه در طول این سال‌ها انجام داده و نداده است، نوشته می‌شود. از جهت‌گیری‌های اسلامگرایان ترک درمحدودیت‌هایی که برای سر و مشروبات الکلی برقرار کرده‌اند تا دستور شهرداری آنکارا برای رعایت کدهای اخلاقی در اماکن عمومی [مترو] و ضوابط جدید آرایشی در مورد کارمندان شرکت هواپیمایی ترکیش ایران‌ایله و البته تدریجا جای پای خود را در قومچریه ومقتنه محکم کند. کرد که به‌هماند فضاهای تجاری ساختوسازهای قطارمانند در شهرهای بزرگی مثل استانبول، همه این بایدها و نبایدها اما روی خط ثابتی ردهی داده است، اینکه حزب عدالت و توسعه در بازی دموکراتیک و از درون صندوق آرا بیرون آمده است. حزب عدالت و توسعه پس از تجربه‌های متنتوب احزاب محافظه‌کار ادیندار در ترکی آبه معانی مذهبی حزب راه و فصلیات، نهایتا با ورود موفق به انتخابات شهرداری‌ها توانست تدریجا جای پای خود را در قومچریه ومقتنه محکم کند. کرد که به‌هماند پاکستان همواره درگیر سنت مداخله نظامیان در سیاست بوده است. این کشور سال‌ها تحت اقتدار پیدا و پنهان نظامیان کمالیستی بوده است که در مدل‌های مختلف از کودتای سنتنی تا مدل پستمدرن آیینی بدون کاربرد اسلحه] و به نحوی از انحاء دولت‌ها را ساقط کرده‌اند. در فرآیند دموکراتیزاسیون، تادیب‌کردن بازیگران خطای ادرترکیه: افسران ارتش] آن‌هم به شیوهای غیرخشونت‌آمیز، دستوراد کوچکی نیست: تصویب قوانینی که بتواند کودتاچیان را در برابر صندلی عدالت بنشاند. نیز در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه از رویدادهای بزرگ دموکراتیک در صحنه سیاسی ترکیه بوده‌است، در عین حال، آژادشدن گفتموگو و ره‌اشدن بحث درباره هویت کردی نیز تنها در پناه سیاست‌های دویپلو و مسالمت‌جویانه این حزب در رسانه‌ها و حوزه عمومی می‌رود که آرمان بازتعریف «هویت ترک»، وجوه همگرایانه‌ای پیدا کند، در مجموع موفقیت‌های سیاسی و البته اقتصادی مردان اکابرانی و ظهور مقتدانه بروزوآزی انتاتولی اسلامگرا در مقابل نخبگان سنتی سکولارکمالیست، این روزها بیش از هر زمینه دیگری مورد توجه رسانه‌ها و جلوی چشم تحلیلگران مسایل ترکیه بوده است. از این‌رو کارنامه حزب عدالت و توسعه چندان میدانی برای مقایسه این حزب با نظام‌های ریاست‌جمهوری دایملعمر عربی شمال آفریقا باقی نمی‌گذارد. اما در این میان بعضی کارشناسان ریشه بروز اعتراضات خودسازمان دهی شده در ترکیه را با خیزش‌های عربی مقایسه می‌کنند و برای با مسایل‌بودن آن، نام «بهار ترکی» را به آن داده‌اند. اما حوادث ترکیه ماهیتا با خیزش‌های بهار عربی متفاوت است. از این حیث که خیزش‌های عربی، شورش توده‌های ناراضی علیه محرومیت‌های زندگی حدافلسی و وخامت اوضاع اجتماعی- اقتصادی بود، اما تظاهرات در ترکیه بیش ازهر چیز متأثر ازعنصر «سرعت» و «شتاب زمان» در شکل دهی به ناراضایتی‌های توده‌ای است.

نگاه ایرانی

روایت شاهد ایرانی
از «تقسیم»
بهزاد وفاخواه

اسکله کاباتاش، از کشتی که پیاده شدیم حس کردم چشم‌هایم می‌سوزد. بوی آشنایی گاز اشک‌آور بود. اما گاز اشک‌آور کجا و این کشور امن و آرام کجا. از تپه مجاور استادیوم «بشیکتاش» به سمت هتلمان در میدان تقسیم راه افتادیم. کوکم متوجه غیرعادی‌بودن اوضاع شده بودم. صبح که میدان را ترک می‌کردیم ماشین‌های پرتابل خیلی از شبکه‌های خبری را دیده بودیم. اما برای میدانی که همیشه شاهد میتینگ‌های سیاسی و راهپیمایی‌های گروه‌های مختلف است، حضور شبکه‌های خبری چندان عجیب به نظر نمی‌آمد.

روز اول می‌هم دولت اجازه برپایی تظاهرات روز کارگر را نداده بود و زد و خورد بین پلیس و گروه‌های چپ در میدان تقسیم را از شبکه‌های خبری دیده بودم. از چند نفری سوال کردیم تا متوجه شدیم قضیه از چه قرار است: برای نوسازی میدان تقسیم یکی از طرح‌ها این است که پارک «گری» در ضلع جنوبی میدان را تخریب کنند و به جای آن مجتمع تجاری احداث شود. گروه‌های زیست‌محیطی داخل پارک تحصن کرده‌اند و می‌خواهند مانع قطع درختان پارک شوند. و حالا پلیس تصمیم گرفته با توسل به زور جمعیت را پراکنده کند.

هرچه به میدان نزدیک‌تر می‌شدیم جمعیت بیشتر می‌شد و فضا پرترنش‌تر. در منطقه «گوموش سوبو» بودیم که ناگهان صدای شلیک‌های پی‌پی‌ا ر شنیدیم و جمعیت با یه فرار گذاشت و من و یکی از همسفرهایم وارد یکی از کوچه‌های شعیپ‌دار آنجا شدیم. تازه آرام شده بودیم که پلیس وارد کوچه شد و گاز اشک‌آور را مستقیم به سمت معترضان شلیک کرد که به شاه‌های کسی که کنار من می‌دوید برخورد کرد و روی زمین افتاد.

یک نفر در خاخالش را با کلید باز کرد و همه داخل ساختمان شدیم. یک ساعتی بدون اینکه هیچ‌کدام همدیگر را بشناسیم در این خانه بودیم و از فیس‌بوک ویدئوهای بارگذاری‌شده را می‌دیدیم. وقتی از خانه بیرون آمدم استانبول دیگری جلو چشمم بود که به کلی با شهر روزهای پیش تفاوت داشت. غیزاز جوان‌یکسر را بشناسیم که ۳۰ سال هیچ‌کس در خیابان‌ها نبود و همه صورث‌ها خشمگین بود. راه‌ها به سمت تقسیم بسته بود و وارد کوچه‌های منتهی به خیابان استقلال شدم. پلیس انتهای کوچه‌ها مستقر شده بود و معترضان داخل کوچه‌ها آتش روشن کرده بودند. دسته‌های ۱۰، ۱۵ نفری جوان‌هایی که پرچم گروه‌های چپ چهار صبح که من و همسفرم خسته شدیم و تظاهرات را ترک کردیم، بین جمعیت بودیم. تا جایی که ارتباط با زبان سوم امکان‌پذیر بود با معترضان حرف زدیم و عکس گرفتیم.

ادامه در صفحه ۸

گام معلق اردوغان



عکس: AFP

عکس: AFP

می‌گویند مردم نمی‌خواستند اجازه دهند حتی یک درخت از پارک‌های استانبول کم شده و به عرض خیابان اضافه شود. اما اعتراضات ریشه داشت. اعتراضات مردم از چارچوب راهپیمایی محلی به یک اقدام سیاسی همگانی و دارای ابعاد زیاد تبدیل شد که بلافاصله به شهرهای اصلی کشور کشید و مردم خواستار استعفاي نخست وزیر شدند. درگیری پلیس با مردم و اعمال خشونت علیه تظاهرات‌کنندگان با ابزارهای ویژه، باروت به آتش ریخت و بر شدت آن افزود. در این میان عدامی قربانی و هزاران نفر بازداشت شدند.

شاید زمان آن رسیده که اردوغان ببذیرد ۴۰درصد جمعیت ترکیه طرفدار کمال آتاتورک هستند و به همین مقدار هم اسلامگرایی هستند که معتقدند ترکیه امروز باید به ریشه‌های عثمانی خود بازگردد. می‌بینید مخالفان و موافقان اردوغان برابرند.

اما گویا این امر برای نخست‌وزیر پذیرفتنی نیست. حالا تضاد در تجدد و ذهنیت شرقی اردوغان را به وضوح می‌توان نظاره کرد. خط فکری نخست‌وزیر همچنان در سمت و سوی عثمانی، نه شاید بهتر باشد بگویم شرقی است. اجازه اعتراض به مخالفان داده می‌شود. اما با آنها به شدت برخورد می‌شود. معاون نخست‌وزیر از معترضان عذرخواهی می‌کند. اما اردوغان بعد از ادامه اعتراضات با هم به سرکوب ادامه می‌دهد.

علاقه‌مندی به میراث شرقی در اردوغان اوج گرفته؛ خط فکری و برخورد شخصی او، شاید باید اعتراف کرد که اردوغان از نظر شخصی در مسیر دموکراسی‌خواهی نیست او هنوز هم ذهنیت شرقی دارد. زبان مدرن را نمی‌فهمد، عذرخواهی نمی‌کند.

عصر تضادها

شاید تضاد در رئیس‌جمهوری عدالت و توسعه کمتر به چشم می‌خورد. عبدالله‌گل می‌گوید: فشارها شرایط را بهتر می‌کند. باید در مسیر دموکراسی حرکت کرد. می‌شود پذیرفت عبدالله‌گل بیشتر با تضادها مسالمت کرده و شاید هم بیشتر دموکراسی‌خواه است تا اردوغانی که تندتر است. نخست‌وزیر ترکیه به دلیل آنچه «سرمخوردگی و گرفتگی صدا» خوانده شد، در مراسم ادای احترام به آتاتورک شرکت نکرد. او سال گذشته هم در این مراسم شرکت نکرده بود.

حالا ترکیه امروز با گذشت بیش از نیم قرن در دستان عدالت و توسعه و نخست‌وزیر اسلامگرایی است که حزبش بیش از سه دوره در نظامی دموکراتیک با اکثریت آرا، پیشتاز بوده است، حزبی در تلاش در مسیر حرکت به سمت و سوی نظامی دموکراتیک و تقلا برای پیوستن به اتحادیه اروپا.

از همان روی کار آمدن عدالت و توسعه بود که ورق برگشت. حالا میراث اردوغان و حزبش میراثی شرقی است. میراثی در سمت و سوی بازگشت به دوران عثمانی: تجدد در کنار مذهب.

شاید زمان آن رسیده که اردوغان ببذیرد ۴۰درصد جمعیت ترکیه طرفدار کمال آتاتورک هستند و به همین مقدار هم اسلامگرایانی هستند که معتقدند ترکیه امروز باید به ریشه‌های عثمانی خود بازگردد. می‌بینید مخالفان و موافقان اردوغان برابرند. اما گویا این امر برای نخست‌وزیر پذیرفتنی نیست. حالا تضاد در تجدد و ذهنیت شرقی اردوغان را به وضوح می‌توان نظاره کرد

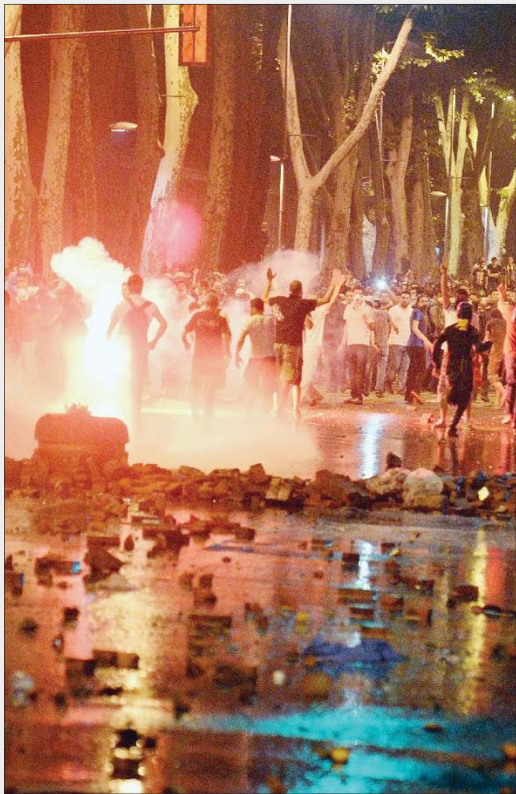
ممنوعیت استفاده از مشروبات الکلی در بازه زمانی خاص، تخریب پارک و تبدیل آن به طرح پروژه ساخت یک مرکز تجاری در کنار یک مسجد…

شاید باید به ناچار این واقعیت را پذیرفت: ملتی که تاریخ زیاد دارد، ناگزیر از تحمل سنگینی میراث گذشته خود است.

مخالفان ترکیه در تقسیم به نشانه اعتراض گرد هم آمده‌اند. طرح توسعه مرکز تجاری در پارک «گری» تقسیم، مخالفان و مردم ناراضی از اردوغان را به خیابان‌ها کشانده است و برنامه تبدیل مرکز فرهنگی کمال آتاتورک بنیاگن‌دار کشور به مسجد هم در حکم کاتالیزور این اعتراضات بود. مردم این اقدام را در حکم ضربه‌ای از طرف حزب حاکم و پیشبرد کشور به سمت اسلامگرایی تلقی می‌کنند که میلیون‌هائفر با آن مخالف هستند. می‌گویند همه چیز از یک مساله ساده شروع شد که هر کلاشهری در دنیای امروز با آن روبرو است. اما مساله به همین سادگی‌ها هم نبود.

درس مهم قیام ترک‌ها

را زیر سوال برده بود. او اخیرا همه افرادی که الکل مصرف می‌کنند را با لفظ «الکلی» خطاب کرده بود اما به سرعت از حرفش برگشت و گفت منظورش کسانی بوده که مرت‌با مشروبات الکلی می‌نوشند.نخست‌وزیر ترکیه چند هفته پیش از زوج‌های جوان خواست که در خط ارزش‌های اخلاقی حرکت کنند و در ایستگاه‌های مترو آنکارا همدیگر را نبوسند. پس از تصویب محدودیت‌های اخیر در مورد الکل، مغازه‌ها فقط تا ساعت ۱۰ مجاز به فروش مشروبات الکلی هستند. قانون جدید همچنین تبلیغات محصولات الکلی و فروش نوشیدنی‌های الکلی تا فاصله صدمتری مکان‌های مقدس و آموزشی را ممنوع کرده است. در گذشته دولت ترکیه پیشنهاد غیرقانونی کردن زنای محصنه و سقط جنین را مطرح کرد اما با بالاگرفتن اعتراضات عمومی از آن عقب نشست



می‌گویند دلباختگی آتاتورک به تمدن غربی و اروپایی به همان دوران جوانی‌اش باز می‌گشت، آن زمان که در سال ۱۹۱۷ میلادی، وحیدالدین ولیعهد عثمانی را طی یک سفر رسمی به آلمان همراهی کرد و در بازگشت به استانبول بیمار شد. آن زمان که برای درمان و استراحت به وین و کارلزباد (کارلووی وری کنونی جزو چکسلواکی) رفت، در همان زمان بود که او بیش از گذشته با تمدن اروپایی آشنا و به آن دلباخته شد.

«بریدن از میراث شرقی و رفتن به سمت و سوی دنیای مدرن و معیارهای غرب؟» این بود میراث مصطفی کمال آتاتورک، مرد نظامی ترکیه.

حسروف لاتین را به جای حروف عربی که قرن‌های دراز مورد استفاده جامعه ترک بود، متداول کرد. کوشید موسیقی کلاسیک غربی و نیز فن تئاتر را در ترکیه رواج دهد. با اعطای اجازه تاسیس حزب جمهورخواه آزاد، بار دیگر تلاش کرد نظام چندحزبی را در کشور معمول سازد. مصطفی کمال همچنین برنامه گسترده‌ای به منظور پژوهش در باب زبان و تاریخ کهن ترکیه آغاز کرد و کوشید پیوندهای ملی را در جامعه ترک، جلشین پیوندهای دینی کند.

در سال ۱۹۲۵ بسود که مصطفی کمال و مقامات عالیرتبه کشوری، همراه با همسرانشان در کلوب رقص حاضر شدند. کمتر کسی ز شوهر را همراه یا یکدیگر در مجامع عمومی می‌دید. در همان روزها کلوب‌های رقص در بسیاری از شهرهای ترکیه افتتاح شد. تقویم ترکیه که بر اساس سال‌های هجری تنظیم شده بود در ۲۶دسامبر همان سال، ملغی شد و تقویم گرگورین با مبدأ میلاد مسیح رسمیت یافت. تعطیلی از جمعه به یکشنبه تغییر پیدا کرد و روز جمعه که روز استراحت و عبادت از آیین اسلام است به روز کاری مبدل شد.

در سال ۱۹۲۴ منع قانونی نوشیدن شراب حذف شد و انحصار تولید و فروش آن در اختیار دولت قرار گرفت و سود حاصله به خزانه دولت واریز شد. در ۱۹۲۷ حتی آتاتورک نام «مصطفی» را که اسلامی بود از نام خود حذف کرد و در نهایت: دولت رسما ترکیه سکولاریست خوانده شد.

سودابه رخش

«پلیس زره‌پوشی که به‌سوی معترضان گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی پرتاب می‌کند»، این تصویر یادآور اعتراضات میدان التحریر و جنبش اشغال وال استریت است. اما تصویر، تصویر این روزهای ترکیه است. ترک‌ها میدان تقسیم را قرق کرده‌اند و برای ارتقای کیفیت دموکراسی مبارزه می‌کنند. اعتراضاتی برای گرفتن حق تظاهرات مسالمت‌آمیز، مبارزه برای گفتن اینکه مردم و طبیعت مهم‌تر از منافع تجاری نخبگان قدرتمند و حرص و طمع سیری‌ناپذیر آنها برای سود هستند. می‌گویند آزادی بیان و حق تجمعات مسالمت‌آمیز، اصول مقدسی هستند که بدون آن دموکراسی نمی‌تواند ظهور کند و حالا که اردوغان این حق را از آنها گرفته، روشن است که نمی‌تواند ادعا کند دولتش دموکراسی‌خواه است. از اردوغان می‌خواهند برود. خواست‌های که خود دولت عدالت و توسعه مسبیش بود. کمتر کسی تصور می‌کرد که تحصن تعداد اندکی از فعالان مدنی ترک، برای جلوگیری از تخریب درختان پارکی در قلب استانبول به تظاهرات بی‌سابقه‌ای در سراسر این کشور و شورش‌ی تمام‌عیار علیه دولت اسلامگرای ترکیه تبدیل شود اما اتفاق افتاد و بزرگ‌ترین اعتراضات ضددولتی ترکیه شکل گرفت. نیروهای نظامی اعتراضات مسالمت‌آمیز پارک گزی را سرکوب کردند، اردوغان هم‌ه‌روز تظاهرات تحریک آمیز‌تری را به زبان راند. این دو مساله در کنار هم تیر آخر برای کسانی بود که از سیاست‌های خودخواهانه حزب محافظه‌کار عدالت و توسعه ناامید شده بودند. روز ۲۸ می، یک روز افتابی بهاری بود که حدود صد نفر از فعالان، تحصنی را در پارک گزی استانبول آغاز کردند. صبح روز ۳۰ می به پارک حمله شد. پلیس با زور گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش اعتراضات مسالمت‌آمیز را پایان داد و معترضان را از منطقه خارج کرد. پس از آن هم چادر و دیگر وسایل فعالان را آتش زدند. فعالان که اکثرا دانشجو بودند در اینترنت از دیگر فعالان تقاضای کمک کردند و صدهائفر به سرعت خود را به منطقه رساندند و دوباره کنترل پارک را به دست گرفتند. صبح روز بعد پلیس دوباره حمله کرد. معترضان به خیابان‌های منتهی به میدان تقسیم ریختند. اما با مواقع پلیس برای ورود به میدان تقسیم مواجه شدند. درگیری و استفاده از گاز اشک‌آور در طول شب ادامه داشت و بعد از ظهر شبیه پلیس به معترضان اجازه داد وارد میدان تقسیم شوند.

اردوغان در راه استبداد

اگرچه گروه‌های چپگرا و ملی‌گرایان هم در میان معترضان بودند اما اکثریت آنها از طبقه متوسط و در واقع ترک‌های سکولار بودند. تحولات اخیر بسیاری از ترک‌های سکولار را ناامید کرده بود. اردوغان علنا از محتوای برخی از برنامه‌های تلویزیونی انتقاد کرده بود و بسیاری از آزادی‌های عمومی